

گزارش خبری

اسلام فرانسوی، محدودیت‌ها و تنگناها

حجاب اسلامی و پوشش دانش‌آموزان دختر مسلمان در مدارس فرانسه، همچنان به عنوان مهم‌ترین مسأله روز این کشور توجه کارشناسان و تحلیلگران مسائل اجتماعی، سیاسی و مذهبی را به خود جلب کرده است.

طرح ممنوعیت حجاب اسلامی در مدارس فرانسه با عنوان دفاع از نظام لاییک و جلوگیری از استفاده از علائم مشخص‌کننده گرایش مذهبی دانش‌آموزان عنوان شده است.

این طرح که به ادعای مدافعان آن برای صیانت از نظام لایسیته فرانسه پیشنهاد شده، امروزه ابعدی فراتر از مخالفت با یک نشانه مذهبی خاص یافته است. طرح شیپانی چون "حجاب علامت و نشان نابرابری مردان و زنان در اسلام است" و "انتقاد از قوانین مدنی و فقهی اسلام در خصوص زنان از جمله مواردی است که به صورت گسترده در برخی رسانه‌های فرانسه عنوان می‌شود.

برای ارائه قضاوتی دقیق‌تر از چگونگی طرح مسأله حجاب و آشنایی با نگرش شهروندان فرانسوی نسبت به جامعه مسلمانان مقیم، چه بسا نظری به پیشینه تاریخی حضور مسلمانان در این کشور بتواند روشن‌کننده برخی نقاط مبهم باشد. تاریخ‌نگاران نخستین حضور مسلمانان در فرانسه را به زمان شکوفایی امپراطوری اسلامی اندلس که شبه جزیره ایبریا، اسپانیا و پرتغال امروز را از قرن هفتم میلادی در اختیار خود داشت، نسبت می‌دهند. عبدالرحمن، حاکم مسلمان اسپانیا در سال ۷۳۰ میلادی با گذر از کوهستان‌های پیرنه که شبه جزیره ایبریا را از فرانسه امروز و دیگر نقاط اروپا جدا می‌کرد وارد سرزمین گل (فرانسه) شد.

نیروهای عبدالرحمن با پیشروی در اعماق سرزمین گل تا منطقه پواتیه پیش رفتند و در دشت تور در نزدیکی پواتیه در نبردی سرنوشت‌ساز رودرویی سپاهیان سردار فرانسوی شارل مارنل قرار گرفتند. رویارویی سپاهیان مسلمان به فرماندهی عبدالرحمن که تقریباً تمام جنوب فرانسه را تحت کنترل داشتند و شارل که از پشتیبانی کلیسای کاتولیک واتیکان و دوک‌های محلی برخوردار بود، یکی از حساس‌ترین رویارویی‌های تاریخی در اروپا بود که سرنوشت این قاره را برای قرن‌های متمادی رقم می‌زد.

مسلمانان با وجود فداکاری و از خودگذشتگی سربازان خود در این نبرد، در برابر هجوم سپاهیان شارل مارنل از نهایت از ادامه فتوحات بازماندند و با نثار خون خود در قلب فرانسه برای همیشه از این کشور عقب نشستند. از خودگذشتگی مسلمانان در نبرد پواتیه و نبرد

همراه داشت، ارتباط زمینی و مستقیم مشرق زمین با سرزمین‌های اروپایی مختل شد.

روپاییان که با عنایت به پیشرفت‌های علمی و اجتماعی خود دوران جدیدی از سوداگری و توسعه را تجربه می‌کردند برای ره گشودن به سرزمین‌های جدید و نیل به سرزمین پر نعمت هند تقویت ناوگان دریایی خود را در اولویت قرار دادند.

فرانسویان اگر چه از نخستین استعمارگران غربی نبودند، اما از قرن هفدهم میلادی آنان نیز با اعزام ناوگان عظیم دریایی خود به اقصی نقاط جهان سرزمین‌های وسیعی را در آفریقای سیاه و قاره آمریکا ضمیمه امپراطوری خود کردند.

به این ترتیب دوران استعمار، فصلی کاملاً جدید و متمایز در روابط فرانسه و مسلمانان گشود و سبب آشنایی فرانسویان با جهان اسلام در دوران متأخر شد.

بخش‌هایی از قاره سیاه که امروزه کشورهای سنگال، مالی، چاد، موریتانی، نیجر و ساحل عاج را تشکیل می‌دهند در قرن هجدهم میلادی به تصرف کامل استعمارگران فرانسوی درآمد. سرزمین‌هایی که به عنوان نخستین مناطق مسلمان‌نشین مستعمره فرانسه شناخته شدند.

فرانسه این سرزمین‌ها و به ویژه آنجریز را برای بیش از یک قرن، جزئی از قلمرو استعماری خود می‌دانست و به دلیل مجاورت آن با سرزمین اصلی خود و سهولت دسترسی به منابع آن حضوری متمرکز و بسیار گسترده در این مناطق داشت.

در جنگ بزرگ جهانی اول، فرانسویان که درگیر خونین‌ترین جنگ تاریخ خود شده بودند برای تأمین بخشی از نیروهای رزمی خود نظر به مستعمرات خود داشتند و شهروندان مسلمان شمال آفریقا برای نخستین بار به صورت گسترده به خدمت ارتش فرانسه درآمدند.

به این ترتیب صدها هزار تن از مسلمانان شمال آفریقا، در طول جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) وارد خاک فرانسه شدند، حضوری که برای خدمت در جبهه‌های مرگبار جنگ جهانی پیش‌بینی شده بود. دولت فرانسه که به خوبی به نقش مهم صدها هزار سرباز مسلمان ارتش این کشور در نبردهای خونین جنگ جهانی واقف بود، اندکی پس از پایان جنگ، در اقدامی نمادین تصمیم به احداث نخستین مسجد مسلمانان در پاریس پایتخت این کشور گرفت.

بنای نخستین مسجد فرانسه در سال ۱۹۲۱ میلادی را می‌توان سرآغاز حضور مسلمانان در این کشور دانست. مسجد بزرگ پاریس با معماری اسلامی و مناره بزرگ خود نمادی از روابط فرانسه و مسلمانانی بود که ده‌ها هزار تن از آنان در جنگ

آن تا آخرین نفر به مرگ عبدالرحمن، حاکم مسلمانان اندلس انجامید و بیکرهای غرق به خون هزاران جنگجوی مسلمان دشت پواتیه و رودخانه اطراف این منطقه را پوشاند.

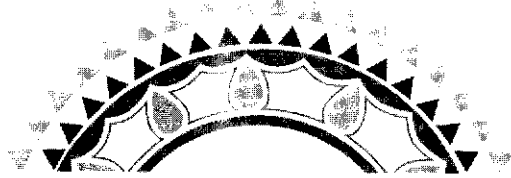
اگر چه نخستین حضور مسلمانان در فرانسه با ماجرای غمبار پواتیه در قرن هفتم میلادی پایان یافت، اما مرادفات فرهنگی امپراطوری اسلامی و سرزمین گل یا فرانسه امروز از آن تاریخ به بعد ابعدی قابل توجه یافت.

شارلمانی از بزرگ‌ترین فرمانروایان اروپا که در اواخر قرن هشتم میلادی بر مرکز اروپا و سرزمین گل حکمرانی داشت باب مبادلات فرهنگی و علمی را با جهان اسلام گشود و با توجه به "وچ شکوفایی تمدن اسلامی در آن دوران درصد بهره‌برداری از این روابط برآمد.

وی علاوه بر ارتباط با مامداران مسلمان اندلس و "تغداد پیمان همکاری‌های نظامی با آنها در نبردهای داخلی اندلس در سال ۷۹۲ میلادی، با مرکز حکومت اسلامی در بغداد نیز مرابوده داشت. تاریخ‌نگاران، شارلمانی را یکی از ستایش‌کنندگان فرهنگ و تمدن درخشان اسلامی می‌دانند که شرح تماس‌های وی با خلفای اسلامی همچنان در تاریخ به یادگار مانده است. آنها از قرون وسطا و دوران حاکمیت مطلق کلیسای کاتولیک بر فرانسه همچون دیگر نقاط اروپا با تلخی تمام و با عنوینی چون دوران تاریکی و ظلمت یاد می‌کنند.

در چنین دورانی مخالفت و رویارویی آشکار کلیسای کاتولیک وقت با آیین اسلام با گذر از ابعاد مذهبی و سیاسی آن به صف رأیی‌های خونین و تلخ نظامی نیز کشیده شد.

هشت جنگ صلیبی (از سال ۱۰۹۶ تا ۱۲۷۰ میلادی) ارمغان شوم چنین دورانی است که در آن مامداران کلیسای کاتولیک در واتیکان با اعلام جنگ مقدس بر ضد مسلمانان و ضرورت فتح و زادسازی اورشلیم به مبارزه با مسلمانان پرداختند. همزمان با روی کار آمدن امپراطوری عثمانی در ترکیه امروزی در قرن پانزدهم میلادی که موج جدیدی از خصومت و درگیری با اروپاییان را به



فرانسویان جان خود را از دست داده بودند.

با آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ میلادی و فراگیر شدن آتش جنگی ویرانگر در اروپا، فرانسه به صحنه نخستین درگیری‌های خونین مبدل شد و نیروهای ارتش آلمان نازی با گذر از مرزهای این کشور دامنه نبرد را به خاک فرانسه کشاندند.

پایان جنگ جهانی دوم و بر جای ماندن اروپایی ویران و سوخته در آتش جنگ، حضور مسلمانان در فرانسه را به گونه‌ای دیگر مطرح کرد.

فرانسه که در این جنگ ویرانگر، تلفاتی سنگین و نزدیک به دو میلیون تن را متحمل شده بود برای بازسازی کشور با کمبود شدید نیروی انسانی روبه‌رو شد.

فرانسه ویران و خسته از جنگ، از سال ۱۹۴۵ به بعد پذیرای ده‌ها هزار نیروی کار از مستعمرات خود به ویژه مناطق مسلمان‌نشین شمال آفریقا شد که برای مشارکت در عملیات بازسازی بخش‌های آسیب‌دیده در جنگ راهی فرانسه شده بودند.

سیاست دولت فرانسه در این ایام بر انعقاد قراردادهای استخدام کوتاه‌مدت و کمتر از یک سال با کارگران سرزمین‌های مستعمره استوار بود. چنین سیاستی می‌توانست از سکونت دائم کارگران در فرانسه جلوگیری کند.

با این همه چنین نگرشی هیچ‌گاه نتوانست به سیاستی دائمی تبدیل شود، چرا که کارفرمایان که از نیروی کار ارزان و موثر کارگران مسلمان رضایت داشتند، پیشنهاد تمدید قرارداد با آنان را به دولت ارائه کردند.

اقامت طولانی‌تر کارگران مسلمان در فرانسه به تدریج به مسائل جنسی دیگری چون ضرورت پیوستن خانواده به آنان و حضورشان در این کشور انجامید. به این ترتیب نسل نخست مهاجران مسلمان در

فرانسه شکل گرفت.

دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی را می‌توان دوران مهم جذب اقلیت‌ها در جامعه فرانسه خواند. با استقلال الجزایر از فرانسه و نسبت حضور مهاجران مسلمان شمال آفریقا در این کشور روندی به نام "انتگراسیون" یا جذب مهاجران خارجی در جامعه فرانسه آغاز شد. این روند با آغاز ریاست جمهوری والرئو اسکاردستن در سال ۱۹۷۴ میلادی شتاب بیشتری به خود گرفت و میلیون‌ها خارجی تبار مقیم فرانسه با معیارهایی چون میزان تسلط به زبان، تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های جامعه این کشور ارزیابی می‌شدند.

فرهنگ، زبان، مذهب و ارزش‌های اعتقادی و سنتی جامعه مسلمانان، برخلاف دیگر مهاجران مقیم، آنان را به تنها اقلیتی در فرانسه تبدیل کرد که فارغ از روال "انتگراسیون" همچنان از دیگر شهروندان فرانسوی و اقلیت‌های مقیم این کشور متمایز بودند.

چنین پدیده‌ای مسلمانان را که به تدریج سومین نسل مقیم فرانسه را تشکیل می‌دادند در معرض تبعیض و فرودستی و حتی مطرح شدن به‌عنوان شهروندان درجه دو قرار داده بود. ده‌ها هزار تن از جوانان مسلمان فرانسوی در سال ۱۹۸۳ در اعتراض به آنچه شرایط تبعیض‌آمیز حاکم بر جامعه این کشور خواندند، اقدام به برپایی یک راهپیمایی سراسری در پاریس کردند.

جوانان مسلمان در این تظاهرات خواستار برخورداری از حقوق برابر اجتماعی با دیگر شهروندان مقیم فرانسه شدند و عملاً ناراضیاتی خود را از برخوردهای تبعیض‌آمیز اجتماعی در این کشور به نمایش گذارند.

این امر خود مقدمه‌ای بر بررسی بیشتر مسائل مسلمانان فرانسه، برآورد آماری نسبی از شمار آنان

و چگونگی سرعت بخشیدن به روند "انتگراسیون" و یا جذب جامعه مسلمانان در این کشور شد.

فرانسویان پیشتر با استناد به قانون سال ۱۸۷۲ این کشور در نفی جداسازی شهروندان براساس گرایش‌های مذهبی، از ارائه آماری دقیق از حضور مسلمانان در کشورشان خودداری می‌کردند، با این همه در سال ۱۹۸۳ برآوردهای منتشر شده از حضور ۲/۵ میلیون مسلمان در این کشور حکایت داشت.

کمیسیون عالی "انتگراسیون" فرانسه در سال ۱۹۹۳ شمار مسلمانان این کشور را سه میلیون تن اعلام کرد، کمی بعد روزنامه لوموند چاپ پاریس با اعلام این مطلب که ۶/۵ درصد جمعیت فرانسه را مسلمانان تشکیل می‌دهند، نوشت: شمار مسلمانان مقیم کشور به ۳/۷ میلیون نفر بالغ شده است.

گزارش کمیسیون ویژه دولت فرانسه که برای بررسی روابط با مسلمانان در سال ۱۹۹۶ تشکیل شده بود شمار افراد جامعه مسلمانان کشور را در این سال ۴/۲ میلیون نفر اعلام کرد و این در حالی بود که به گفته شارل پاسکوا، وزیر کشور وقت فرانسه در همان سال جمعیت مسلمانان به ۵ میلیون نفر رسیده بود.

نیکلا سارکوزی، وزیر کشور کنونی فرانسه در سال ۲۰۰۳ میلادی در بحثی پیرامون حجاب اسلامی شمار مسلمانان مقیم کشور را بین ۵ تا ۶ میلیون نفر اعلام کرد.

با این همه همچنان رقم‌های بیشتری به جمعیت مسلمانان فرانسه نسبت داده می‌شود و از جمله رادیو "فرانس کولتور" در یکی از بحث‌های خود در خصوص مسأله حجاب اسلامی به رقم ۷ میلیون نفری مسلمانان کشور اشاره کرده بود، رقمی که مسلمانان فرانسه آن را بیشتر واقعی و نزدیک به حقیقت ارزیابی می‌کنند.

تجدیدنظر اروپاییان نسبت به اسلام

یک کارشناس اروپایی مسائل اسلامی معتقد است، چنانچه اروپا بخواهد به یک جامعه چند فرهنگی مبدل شود، باید در مورد نگرش خود به اسلام و نحوه رفتار با مسلمانان تجدیدنظر کند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، خانم میریام دیتریش، از مؤسسه پژوهشی مرکز سیاست اروپایی گفت: "در جوامع غربی سوءتفاهم‌های زیادی در مورد اسلام است و باید گفت‌وگو برای درک یکدیگر آغاز شود."

وی همچنین هشدار داد تا زمانی که مسأله فلسطین حل نشده است، شکاف بین غرب و اسلام عمیق‌تر خواهد شد.

دیتریش گفت: مرکز سیاست اروپایی همکاری استراتژیکی را با یک بنیاد بلژیکی آغاز کرده و یک برنامه سه ساله را در مورد "اسلام و مسلمانان در اروپا" در نظر گرفته است.

براساس این گزارش، در نخستین کنفرانس این مرکز، تحولات داخلی و خارجی در اسلام و نیاز به مقابله با اشکال گوناگون هراس از اسلام، مورد بحث قرار می‌گیرد.

در این کنفرانس همچنین حقوق و تعهد مسلمانان نسبت به کشور میزبان‌شان و نیز تأثیر مسائل بین‌المللی بر مسلمانان اروپا بررسی می‌شود.

طی سه سال آتی نیز برای گرد هم آمدن کارشناسان، دیپلمات‌ها، جوامع مدنی اروپا و جهان اسلام کنفرانس‌ها و سمینارهایی برگزار خواهد شد.

دیتریش گفت: "هدف از این کار آغاز گفت‌وگو برای افزایش درک متقابل است، زیرا وقایع ۱۱ سپتامبر تأثیر زیادی بر نحوه شکل‌گیری افکار عمومی در مورد اسلام در اروپا داشته است."

دیتریش عنوان کرده است که هم‌اکنون بیش از ۱۲ میلیون مسلمان در کشورهای عضو اتحادیه اروپا زندگی می‌کنند و اسلام در اکثر کشورهای اروپایی دومین دین است.